

## یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه وجهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر هجمه‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌ظنیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.

## سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

### وحدت‌گرای استعمارستیز

دکتر عزالدین رضانزاد<sup>۱</sup>

### چکیده

عالمان راستین، سنگربانان عرصه علم و عمل‌اند. موقعیت علمی و مقام معنوی برخی از آنان به قدری زیاد است که در زمینه‌های گوناگون پیش‌قراول و الگو برای همگان می‌باشند. یکی از بزرگانی که با وحدت‌گرایی به مبارزه بی‌امان با استعمارگران قرن بیستم پرداخت و با حکم جهادش، سبب بسیج عمومی مسلمانان شد تا در برابر ظالمان و دشمنان اسلام و مسلمین قدم علم کنند، آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروة‌الوثقی) می‌باشد. آنچه در این مقاله آمده، شمه‌ای از زندگی آن مرد بزرگ می‌باشد که از بخش‌های زیر تشکیل شده است: ولادت و خانواده سید، تحصیلات مقدماتی، کرسی تدریس و مقام علمی، آثار و تألیفات، سید و مسائل سیاسی - اجتماعی عصرش، سید و مشروطه وارداتی، فراست و کیاست در مقابله با دسیسه‌های استعمار، اعلام جهاد علیه انگلیس و سایر استعمارگران، وحدت‌گرایی در دفاع از ایران و دولت عثمانی، و اقدامات وحدت‌گرایانه سید از طریق نامه‌ها، تلگراف‌ها و غیره.

واژگان کلیدی: سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، سید، صاحب عروه، استعمارستیز، وحدت‌گرا، حکم جهاد، استعمارگران.

### ولادت

در اواخر دههٔ چهل قرن سیزدهم هجری روستای «کسنویه»، یکی از روستاهای اطراف دارالمؤمنین یزد، ولادت فرزندی پسر در خانواده‌ای کشاورز از سادات طباطبایی را شاهد بود که پس از نیم قرن، آوازه او نه تنها کشورش، بلکه بخش‌های مهمی از خاورمیانه را فراگرفت. وی که طبق

۱- عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ص العالمیه.

قول مشهور در سال ۱۲۴۸ هجری قمری<sup>۱</sup> ولادت یافت محمد کاظم نامیده شده و در دامن پاک پدر و مادر متدینی رشد یافت.

والدین او به تربیت جسمی و روحی وی پرداختند و شاید از چهره معصومانه فرزندشان، آینده‌ای درخشان را در آینده تقدیر می‌دیدند که تصمیم گرفتند وی را رهسپار مکتب‌خانه کنند تا الفبای آگاهی و معرفت را از زبان معلم دلسوز و باتقوا فراگیرد.

### تحصیلات مقدماتی

سید محمد کاظم را برای فراگیری علوم مقدماتی، قرآن و خواندن و نوشتن، به مدارس سنتی آن زمان یزد فرستادند. حوزه علمیه «دومنا» یزد پذیرای نوجوانانی بود که با عشق و علاقه وافر به تحصیل علوم دینی می‌پرداختند. سید محمد کاظم با ورود به این حوزه، از محضر استادانی همانند استاد ملا محمد ابراهیم اردکانی و شیخ زین‌العابدین عقدایی و ... بهره برد و دروس ادبیات و مختصری از احکام و اخلاق را فرا گرفت. سپس در درس فقه و اصول آخوند ملا هادی یزدی - که از عالمان بزرگ آن دیار به شمار می‌رفت - شرکت کرده دوره سطح را به پایان برد. علاقه زیاد وی به علم‌آموزی، او را بر آن داشت تا از دیارش هجرت کند و راهی مشهد مقدس شود. در آن‌جا، علم هیئت و ریاضیات را آموخت و پس از آن، عازم حوزه پررونق آن روز اصفهان گردید و از محضر استادان بزرگی همانند: آیت‌الله سید محمدباقر خوانساری صاحب کتاب معروف «روضات الجنات» و برادرش آیت‌الله حاج میرزا هاشم خوانساری، و آیت‌الله ملا محمدجعفر آبادهای و به ویژه شیخ محمدباقر نجفی<sup>۲</sup> بهره‌های فراوان برد.

### تحصیلات تکمیلی

شعله علم‌آموزی در محمد کاظم نه تنها پس از سن سی سالگی وی خاموش نشد، بلکه برافروخته‌تر شده، وی را وادار کرد که در سال ۱۲۸۱ق بار سفر به سوی نجف اشرف بیندد. سال ورود وی به حوزه نجف، با وفات شیخ اعظم مرتضی انصاری و انتقال مرجعیت به میرزای شیرازی مصادف شد. در حوزه نجف، از محضر استادان بزرگ آن روز بهره برد. آیات عظام: شیخ راضی نجفی، شیخ مهدی آل کاشف‌الغطا، شیخ مهدی جعفری و میرزای شیرازی (پرچمدار نهضت تحریم تنباکو) از جمله استادان وی در دروس مختلف فقهی و اصولی بوده‌اند.

۱- تاریخ ولادت وی، ۱۲۴۷ و نیز ۱۲۵۶ نیز ذکر شده است؛ ر.ک: ابوالحسنی، ۱۳۷۴ ش.

۲- وی پدر بزرگوار آقا نجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی و صاحب کتاب هدایه‌المسترشدین می‌باشد.

### کرسی تدریس و مقام علمی

سید محمد کاظم تدریس علوم اسلامی را از زمان جوانی آغاز کرد. در حوزه «دومنا» یزد، سپس حوزه اصفهان، علاوه بر تحصیل، به تدریس هم می‌پرداخت. در حوزه نجف، تدریس فقه و اصول سید، جایگاه خاصی داشت. پس از هجرت استادش میرزای شیرازی از نجف به سامرا، تدریس دروس عالی فقه و اصول از سوی سید، فضلا و عالمان زیادی را به حوزه درس او کشانید. ژرف‌نگری و دقت نظر و سلامت بیان سید به گونه‌ای بود که بیش از دویست نفر از فضایی نجف اشرف پای درس وی می‌نشستند و پس از چندی، خود صاحب کرسی تدریس و مقام علمی می‌شدند. از میان شاگردان برجسته سید می‌توان از بزرگانی همانند حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم)، حاج آقا حسین قمی، حاج آقا حسین بروجردی، شیخ محمدحسین کاشف‌الغطا، شهید سید محمدتقی خوانساری، حاج آقا رضا مسجدشاهی اصفهانی، سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ زین‌العابدین عابدی زنجانی، شیخ فضل‌الله شیخ‌الاسلام زنجانی، شیخ محمد تنکابنی (مؤلف قصص العلماء)، شیخ محمدتقی بافقی، سید یونس اردبیلی، شیخ جعفر نقدی، آقا میرزا محمود امام جمعه زنجانی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ عبدالنبی عراقی و بسیاری دیگر ... یاد کرد.

در مورد مقام علمی و معنوی سید، بسیار سخن گفته شده است. برخی بر این اندیشه‌اند که در جلالت قدر و مقام علمی سید، همین بس که مراجع بزرگ تقلید شیعه در دوران اخیر، آغاز مرجعیت خویش را به نوعی با نشر حواشی خویش بر کتاب گران سنگ «عروة الوثقی» او اعلام می‌کنند و برخی از دروس خارج فقه‌های معاصر بر محور متن کتاب مذکور، ارائه می‌گردند. در این‌جا به نقل اظهارنظر برخی از بزرگان در مقام علمی و معنوی سید می‌پردازیم:

الف) صاحب کتاب «ریحانه‌الأدب» در وصف سید آورده است:

«از فحول و متبحرین علمای امامیه قرن چهاردهم هجرت عالمی است متقی، عامل، محقق، مدقق، جامع تمامی علوم دینیه فروعیه و اصولیه، سید علمای وقت، حامل لواء شریعت، از مفاخر شیعه و رییس مذهبی فرقه محقه، بالخصوص در فقه جعفری به نهایت متبحر، دارای فکری عمیق و نظری دقیق، مرجع تقلید اغلب شیعه، علامه وقت و سرآمد فقه‌های عصر، حوزه درس او در نجف اشرف انفع حوزه‌های علمیه و مرجع استفاده اکابر و فحول اساتید بود...» (مدرس، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۱).

ب) یکی از شاگردان برجسته آخوند خراسانی (صاحب کفایه) به نام شیخ محمد حرزالدین در وصف سید یزدی می‌گوید:

«صاحب عروه، خصوصاً در ایام اخیر عمر خویش، به ریاست و زعامتی بسیار وسیع و گسترده رسید، بلکه فقیه اعظم و زعیم مطلق شد که هیچ کس را یارای رقابت با او نبود. وی دریایی موج و

مطالعه از علم و تحقیق و متانت بود. همه مسایل فقهی و اخبار اهل بیت را در گنجینه ذهن و دل خویش حاضر داشت» (حرالدین، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۲۶).

ج) محدث قمی (شیخ عباس صاحب مفاتیح الجنان) سید را چنین ستوده است:

وی «سید عالمان امت، شیخ طائفه، پرچمدار تشیع و قطب آسیای شریعت ... فقیه عصر و مایه برکت روزگار ما» است. (محدث قمی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۵۹۶-۵۹۷).

لازم به یادآوری است هر نویسنده‌ای که در تاریخ معاصر قلم زده، از جلالت و بزرگواری سید سخن گفته است. گرچه مخالفان سیاسی - اجتماعی سید پا را از گلیم انصاف درازتر کرده، به قذح او پرداخته‌اند، اما چیزی از عظمت سید نکاسته‌اند بلکه ناخواسته بزرگی روح و اخلاق و منش حسنه وی را جلوه داده‌اند، چون برخورد صمیمی و اظهار نظر عمیق و پای‌بندی به موازین شرعی، او را در کشاکش منازعات سیاسی - اجتماعی به خطا نکشاند و وی هم‌چنان با حکمت و موعظه حسنه به اصلاح امور می‌پرداخت.

### آثار و تألیفات سید محمد کاظم طباطبایی

آثار مکتوب آیت‌الله طباطبایی یزدی زیاد و گران‌بهاست. ارزشمندترین و ماندگارترین کتابش، «عروة الوثقی» است. کتاب عروه یک دوره فقه شیعه است که به واسطه عمق و ژرف‌نگری نویسنده آن، از آن زمان تا به حال مورد توجه فضلا و مجتهدان بوده است به‌گونه‌ای که سید به خاطر همین کتاب به «صاحب عروه» شهرت یافت. از سوی دیگر، تقریباً همه استادانی که در درس عالی فقه (خارج فقه) نظریه‌پردازی می‌کنند بر عروه‌الوثقی حاشیه می‌نویسند و نیز تا به حال چندین شرح و حاشیه بر این کتاب نوشته شده و برخی مراجع تقلید، محور درس خارج فقه را متن عروه قرار داده و می‌دهند. علاوه بر کتاب عروه که دارای ۳۲۶۰ مسئله فرعی است، سایر آثار مکتوب سید عبارت است از:

- ۱- تعلیقه بر متاجر شیخ انصاری، چاپ تهران؛
- ۲- رساله فی حکم الظن المتعلق باعداد الصلاة و افعالها و کیفیت الصلاة الاحتیاط (حجیة الظن فی عدد الرکعات)؛
- ۳- رساله فی منجزات المریض؛
- ۴- غایة القصوی، ترجمه فارسی «عروة الوثقی» به قلم شیخ عباس قمی، چاپ بغداد؛
- ۵- رساله فی التعادل و التراجیح، چاپ تهران؛

- ۶- الصحیفة الکاظمیة، چاپ بغداد؛
- ۷- مجموعه بستان نیاز و گلستان راز، چاپ بغداد؛
- ۸- حاشیه نجات العباد فی یوم المعاد، شیخ محمدحسن صاحب جواهر؛
- ۹- حاشیه جامع العباسی، شیخ بهایی؛
- ۱۰- حاشیه مجمع المسائل محمد حسن میرزای شیرازی؛
- ۱۱- حاشیه ذخیره العباد لیوم المعاد، فاضل شریانی؛
- ۱۲- حاشیه فراید الاصول، شیخ مرتضی انصاری؛
- ۱۳- الرسالة فی جواز اجتماع الامر و النهی، چاپ تهران؛
- ۱۴- حاشیه مکاسب شیخ انصاری؛
- ۱۵- السؤال و الجواب، چاپ نجف.

### سید و مسائل سیاسی - اجتماعی عصرش

دوران مرجعیت و زعامت دینی سید کاظم طباطبایی، دوران سختی بوده است. حوادث و رویدادهای مهم در کشورهای منطقه، به ویژه ایران و عراق، عرصه‌های مختلفی را برای موضع‌گیری سید، گشوده بود. تدبیر وی و اتخاذ مواضع خردمندانه توسط او، با گذشت زمان، بیشتر آشکار شد. برخی از نکات ویژه در این موضوع را به اجمال مرور می‌کنیم:

**الف) سید و مشروطه وارداتی؛** آقای ابوالحسنی منذر از نویسندگان معاصر (که تحلیل‌گری شایسته و مورخی ارزشمند در تاریخ مشروطه است) نسبت به موضع سید در جریان مشروطه نکات خوبی را بیان کرده است (ر.ک: فصل‌نامه زمانه، شماره ۱۵) که بخشی از آن چنین است:

«در صدر مشروطه، سید از امضای بی‌قید و شرط مصوبات مجلس شورای ملی ایران که از ماهیت اعضا و حاصل کار آنان در آینده، بی‌اطلاع و نگران بود سربراز زد و حمایت از آن نهاد قانون‌گذاری را منوط به انطباق کامل مصوبات آن با موازین شرع انور شمرد. زمانی هم که موج فتنه و آشوب بالا گرفت و جمعی از عناصر مشکوک هم‌چون تقی‌زاده در نقاب هواداری از آزادی و ضدیت با استبداد به «مبارزه با دین و روحانیت» پرداختند به مقابله برخاست و در این راه سختی‌ها و رنج‌ها کشید.

وجه نظر ایشان نسبت به مشروطه، هم‌سو با آرا و نظریات شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری بود و آن‌گاه که شیخ شهید، با هم‌فکران خویش به حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهر ری پناهنده شد،

سید مجدانه به حمایت از او پرداخت. نامه‌ای که شهید نوری در محرم ۱۳۲۷ شش ماه پیش از اعدام خویش به مرحوم سید نگاهشته، گواه پایمردی و خلوص آن دو بزرگوار در دفاع بی‌امان از اساحت اسلام و تشیع است». (ر.ک: ابوالحسنی، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۶-۵۹).

بر پایه نامه‌هایی که سید کاظم طباطبایی در مشروطه به افراد مختلف نوشته است، به روشنی می‌توان دریافت که وی، «دفع کفریات و حفظ عقیده و اجرای قوانین محکمه قرآنیه و شریعت ابدیه محمدیه» همراه «با ملاحظه جهات موجبات صلاح و صیانت دین و دنیای مسلمین» را «اهم فرایض ربانین علما» می‌دانست. زمانی نیز که در بجوحه مشروطه، از سوی گروه‌های ترور، تهدید گردید، به صراحت فرمود:

«این امر، راجع به دین اسلام است و حفظ نفوس و اعراض مسلمین باید بشود و حفظ شوکت مذهب جعفری (صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهرین و المعصومین) و دماء باید بشود و این معنا، جز به مطابقت با شریعت مطهره نخواهد شد و از کشتن هم باک ندارم، چیزی از عمر من باقی نمانده که از آن خائف باشم و از دین خود دست بردارم...». (ر.ک: ترکمان، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۴۰ و ۳۰۸).

**ب) فراست و کیاست در مقابله با دسیسه‌های استعمار؛** وقتی نفوذ معنوی و شخصیت علمی سید محمدکاظم طباطبایی از مرز عراق گذشت و به ایران و قفقاز و برخی مناطق دیگر رسید، استعمارگران با ابزار و وسایل مختلف به توطئه پرداختند تا ضربه‌ای به شخصیت و مناعت نفس وی وارد سازند، اما سید، هوشیار از آن بود که در برابر این توطئه‌ها، خم به ابرو آورد. به تعبیر آقای ابوالحسنی (منذر): «سید صاحب عروه، نسبت به دسیسه‌های استعمار و شیوه‌های مرموز نفوذ و رخنه آنان در جامعه اسلامی که گاه چهره‌های دلسوزانه و حق به جانب نیز به خود می‌گیرد سخت حساس بود و مدارای وی با حکومت‌های ایران و عثمانی، به همین امر بازمی‌گشت و جهتی ضد استعماری داشت. ضدیت ایشان با مشروطه نیز بدین علت بود که دست دشمن را در آستین آن حرکت هویدا می‌دید و در حقیقت، آن دقت نظر ویژه سید در عرصه سیاست خارجی به غایت عمق و اوج خویش می‌رسد و از همین رو بود که آن مجتهد شیعی، از قبول پول «موقوفه اود» هند که انگلیسی‌ها در پی سلطه بر هند، بر آن چنگ انداخته و پخش آن میان طلاب، خالی از اغراض سیاسی نبود سرباز زد و با این عمل، پا جای پای شیخ انصاری نهاد که پیش از آن تاریخ، از پذیرش آن پول سرباز زده بود».

«اود» از مناطق شیعه‌نشین در شمال مرکزی هند است که از دیرباز، برخی از متمکنین آن مبلغ قابل توجهی را وقف حوزه‌های علمی شیعه در عراق می‌کردند تا با نظارت مجتهدین به مصرف

طلاب و روحانیون برسد. انگلیسی‌ها که به مرور بر سرزمین هند و از آن جمله «اود» (ایالت اوتارپرادش فعلی) مسلط شدند، هم‌چون دیگر امور بر روی موقوفه مزبور دست گذاشته و پخش آن در عراق را بر عهده کنسولگری انگلیس در بغداد نهادند. در کتاب‌های مختلف آن عصر، از این پول، با عناوین «جوه هند» یا «پول هند» یاد شده و نام برخی از علما که آن پول را در میان طلاب و مستحقین پخش کرده و کم و بیش خود نیز در فقر و تنگ‌دستی می‌زیستند در بعضی کتاب‌های تراجم مانند «قصص العلماء»، «کرام البرره» و «معارف الرجال» آمده است.

عوامل کهنه‌کار استعمار، زیر نقاب تحویل این پول به علما و پخش آن در میان طلاب و مستحقین شهرهای مقدس عراق، مودیانه به دنبال پیشبرد اغراض سیاسی خویش بودند و در این جاست که مراجع بیدار و تیزبین شیعه هم‌چون شیخ انصاری و صاحب عروه از همین مقدار دخالت دست‌های مشکوک در امور حوزه‌ها نیز نگران بوده و سخت از آن پرهیز می‌کردند. یکی از نویسندگان در مورد دست پنهان سیاست انگلیس، می‌نویسد:

«مرحوم حاجی محمد صالح کبه (بر وزن قبه) وکیل و پیشکار مرحوم شیخ‌الطائفه حاج شیخ مرتضی انصاری که خود نیز از نیکان و اختیار بود، برای پدرم حکایت کرده بود که: روزی قنصل انگلیس در بغداد به منزل شیخ انصاری در کاظمین آمد، سلام ملکه و ویکتوریا را رسانیده و خواهش کرد که از او وجوه اوقاف هند را قبول بفرمایند. عادت شیخ بر این بود، هر وقت که می‌خواست تقاضایی را نپذیرد، به درون آستین راست خویش نگاه می‌کرد و جواب می‌داد. همین که شیخ به درون آستین نگاه کرد ما متوجه شدیم. پس از لحظه‌ای سر برآورد و فرمود: (تکلیفم چیست)». (ساسانی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۰۴-۱۰۵).

**ج) اعلام جهاد علیه انگلیس و سایر استعمارگران؛** حضور مستمر عالمان دینی در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی نکته بسیار مثبتی است که در طول تاریخ روحانیت شیعه، شاهد آن هستیم. فرهنگ «جهاد» علیه دشمنان اسلام و مسلمین هم‌چون خون تازه‌ای است که در رگ حیات اسلام ریخته می‌شود و موجب رشد و شکوه مسلمین می‌گردد تا هیچ‌گاه در برابر هجوم دشمنان و قدرت‌مدان، خوار و ذلیل نگردند و سلطه کفار را نپذیرند. از همین روست که به هنگام آغاز جنگ جهانی اول (سال ۱۳۳۲ ق / ۱۹۱۴ م) و حمله متفقین به دولت عثمانی و متعاقب آن تصرف بخش‌هایی از جنوب عراق (بندر فاو و بصره) توسط نیروهای انگلیسی در ششم نوامبر همان سال (یعنی چهار ماه پس از شروع جنگ) و نیز اشغال بغداد و موصل و شمال عراق و ... عالمان دین در حوزه نجف واکنش شدید نشان دادند و مرجعیت شیعه از تأیید و پیروی مردمی شیعیان برخوردار شد.

علمای حوزه‌های علمیه عراق، از جمله سید اسماعیل صدر، سید حسن صدر، ابراهیم سلماسی کاظمی، شیخ هاشم کعبی، شیخ عبدالله مازندرانی، محمد جواد بلاغی، هبة‌الدین شهرستانی، شیخ علی رفیش و سید عبدالله بلادی علیه تجاوز قوای انگلیسی فتوای جهاد صادر کردند. در میان علما و مجتهدان حوزه نجف، فتوای آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی علیه استعمار انگلیس از فتوای سایر علما کارسازتر و مؤثرتر بود. وی از حمله انگلیسی‌ها به عراق با عبارت «هجوم کفر به سرزمین اسلام نام برد و دفاع در مقابل آنها را واجب دانسته و در فتوای جهاد علیه آنان فرمود:

«بر هر کس لازم است که در عقب راندن قوای دشمن و سعی در حفظ حدود و ثغور اسلام، با همه امکاناتی که دارد غفلت نرزد، اگر اهل نباشد و یا عذری داشته باشد وظیفه دارد که عشایر را نصیحت و موعظه و تشویق به جهاد کند، زیرا حفظ اسلام بر هر فردی به هر صورت که امکان دارد، واجب است.

النصر من الله تعالی ان شاء الله تعالی

محمد کاظم طباطبایی یزدی».

بزرگان شیعه ضمن صدور فتوای جهاد، در جبهه‌ها حضور یافته و به سازمان‌دهی نیروها پرداختند. شیخ علی کاشف‌الغطا، سید علی حلی و دیگر مجتهدان در برانگیختن عشایر عراق برای جهاد، نقش سازنده‌ای داشتند. (ر.ک: کشوری، ۱۳۸۹ش، مقدمه).

مرحوم سید یزدی در مقابله با لشکرکشی متفقین (روس، انگلیس، فرانسه و ...) به متصرفات دولت عثمانی، از جمله عراق و سوریه، از هیچ کوششی دریغ نکرد؛ وی در صحن حرم علی علیه السلام در نجف به منبر رفت و خطبه‌ای آتشین بر ضد استعمار ایراد کرد و مسلمین را به ستیز با اشغال‌گران فراخواند. پس از آن نیز همه جا، با ارسال نامه‌ها و تلگراف‌ها و صدور احکام جهاد و صرف وجوهات، مجاهدان را یاری داد و افزون بر این، فرزند بزرگ و فاضل خویش سید محمد را که بسیاری از مردم، به مرجعیت او پس از پدر، چشم دوخته بودند به نمایندگی خویش به جبهه رزم فرستاد که شرح جانفشانی‌ها و حماسه‌آفرینی‌های آن فقیه وارسته، خود تفصیلی جداگانه دارد و داستان آن، جز با مرگ مشکوک فرزند و نماز پدر بر جنازه وی در صحن حرم علی علیه السلام پایان نمی‌گیرد.

معروف است که انگلیسی‌ها، در جبهه جنگ با مسلمین در عراق، یکی از مقامات عالی‌رتبه خویش را نزد سید محمد فرستادند و با تهدید و تطمیع، به او پیشنهاد دادند که چنان‌چه شخص او از مرگ کناره گیرد، مناصب حساس حکومت عراق را پس از اشغال آن توسط انگلیسی‌ها برای همیشه در اختیار او و اولادش قرار خواهند داد.

سید محمد پیشنهاد مزبور را که انگلیسی‌ها در ازای آن بهایی گزاف می‌پرداختند قاطعانه رد کرد و پس از آن، شبانه به نجف آمد و پدر خویش را از ماجرا باخبر ساخت، ولی مرحوم صاحب عروه، پس از شنیدن خبر، با حالتی طبیعی که گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است، به وی فرمود:

«کاری بجا کردی و جز این شایسته نبود، اما آمدنت به نجف و آوردن این خبر برای من، لزومی نداشت... سریعاً به جبهه برگرد و به ادامه کار جهاد پرداز». (ابوالحسنی، پیشین).

**د) وحدت‌گرایی در دفاع از ایران و دولت عثمانی؛** سید محمد کاظم طباطبایی اندیشه ملی‌گرایانه نداشت تا دفاع در مقابل متجاوزان را در سرزمین عراق (محل سکونتش) محدود کند. او به مصلحت جامعه اسلامی، اعم از شیعه و سنی، می‌اندیشید. به تعبیر آقای ابوالحسنی «بازتاب فتوای جهاد مرحوم سید و عرضه مبارزات فرزند وی در جنگ با انگلیسی‌ها، محدود به کشور عراق و به اصطلاح سرزمین بین‌النهرین نبود؛ بلکه جنوب غربی ایران، یعنی حدود استان خوزستان فعلی را نیز در بر می‌گرفت».

با پیوستن دولت عثمانی به دول محور (آلمان و ...) و اعلام جنگ آن دولت با متفقین، انگلیسی‌ها به‌طور هم‌زمان به اشغال مناطقی از جنوب عراق و ایران دست زدند و در نتیجه، زمانی که مرحوم سید بر ضد اشغال‌گران انگلیسی حکم جهاد داد، آیت‌الله سید محمد یزدی فرزند مرحوم سید حکم جهاد ایشان را به میان عشایر غیور شیعه خوزستان برد و آنان را بر ضد انگلیسی‌ها که برای محافظت از تأسیسات مهم نفتی خویش در جنوب ایران آن استان را اشغال کرده بودند، برانگیخت. مرحوم سید، هم‌چنین در اول محرم ۱۳۳۳ق نامه‌ای به شیخ خزعلی والی وقت خوزستان فرستاد و از وی خواست مجاهدین اسلام را بر ضد انگلیس یاری دهد. در پی این فتوای تاریخی، عشایر خوزستان در اسفند سال ۱۲۹۳ش در نزدیک اهواز در منطقه‌ای موسوم به غدیر دعی و تپه‌های المنیور با قشون تحت امر انگلیس درگیر شدند و تلفات زیادی به آنها وارد ساختند، به‌گونه‌ای که نیروهای انگلیسی ناگزیر به عقب‌نشینی شدند، ولی بعدها با رفتن نیروهای عثمانی از منطقه و تنها ماندن عشایر خوزستان و خیانت ستون پنجم، نیروهای انگلیسی به سوی سوسنگرد پیشروی کردند و آن شهر را زیر آتش سنگین توپخانه خویش، وحشیانه به خاک و خون کشیدند.

مرحوم سید، در عرصه ستیز با استعمار، تنها با انگلیسی‌ها روبه‌رو نبود، بلکه زمانی هم که روس‌ها در اواخر سلطنت محمدعلی شاه و اوج کشاکش مشروطه و استبداد، به بهانه حفظ امنیت اتباع خویش در ایران، به برخی از مناطق شمالی ایران (آذربایجان، گیلان و مازندران) نیرو فرستادند، وی از جمله کسانی بود که به شدت به اعتراض برخاست. در تلگراف سرچرا دلوتر به سرداروارد گری وزیر خارجه وقت انگلیس که در همان روزها ارسال شده، چنین می‌خوانیم:

«در موضوع: ایران.»

تلگرام زیر را از نماینده سیاسی و سرکنسول دولت اعلی حضرت پادشاهی [=انگلیس] در بغداد دریافت داشتیم؛ معتقدم تا تخلیه ایران از سپاهیان روس که مورد تفر عالمان بوده و می‌گویند شوم‌تر از تعلل [محمدعلی شاه] در اعلام مشروطه است، نمی‌توان انتظار چندان کمکی از علمای نجف و کربلا داشته باشیم به طوری که شنیده‌ام، سید کاظم یزدی که تاکنون در سیاست دخالتی نداشت و اینک هم قطار روسی‌ام به من اطلاع می‌دهد که نفوذ قابل ملاحظه‌ای در قفقاز دارد، تلگرامی به عنوان شاه مخبره کرده و اشغال خاک ایران را توسط سپاهیان بیگانه تقبیح کرده است. درباره این تلگرام، من چیزی به کنسول روس نگفتم». (معاصر، ص ۱۱۴۹).

در جریان اخبار ۱۹۱۱ روس‌ها به دولت ایران نیز که به اشغال بخش‌هایی از کشورمان توسط روس‌ها و اعدام مرحوم ثقه‌الاسلام تبریزی در روز عاشورا انجامید، سید در فتوایی چنین نگاشت: «امروز اروپایی‌ها به حمله نظامی به کشورهای اسلامی سرگرم هستند. ایتالیا، طرابلس [لیبی] را و روس و انگلیس به ترتیب شمال و جنوب ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند و اسلام رو به نابودی می‌رود؛ بنابراین، بر همه مسلمانان، چه عرب و چه عجم واجب است که آماده دفاع از سرزمین‌های اسلامی باشند. مسلمانان باید در راه بیرون راندن سربازان ایتالیایی از طرابلس و نیروهای نظامی روس و انگلیس، جان و دارایی خود را فدا کنند. اکنون بزرگ‌ترین وظیفه مسلمانان این است که ایران و عثمانی را از شر این کفار صلیبی اشغال‌گر برهانند». (حائری، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۶۱؛ ابوالحسنی، پیشین).

چنان که ملاحظه می‌شود سید یزدی با رویکرد وحدت مسلمانان بدون توجه به ویژگی‌های مذهبی، قومی، قبیله‌ای و جغرافیایی، در صدد حفظ کشور و سرزمین مسلمین می‌باشد و برای وی فرقی ندارد که این سرزمین به لحاظ جغرافیایی به شیعه تعلق داشته باشد یا به اهل سنت؛ آن‌چه که مهم است، عزت اسلام و مسلمین است نه تفاوت‌های نژادی و قبیله‌ای. نگاه جامع و عمیق آیت‌الله سید کاظم یزدی به حوادث و اتفاقات زمانش حیات‌بخش و سازنده بوده و هم و غم او، همه مسلمانان و همه سرزمین‌های اسلامی است.

هـ) اقدامات وحدت‌گرایانه سید از طریق نامه‌ها، تلگراف‌ها و ...

استعمارتیزی با تأکید بر وحدت و الفت، از اقدامات بارز حضرت آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی بود. از آن‌جا که این تلاش باید همواره در تاریخ بماند و برای آیندگان آموزنده باشد،

متن برخی از نامه‌ها و تلگراف‌های سید که به روشنی بر تشویق و ترغیب جامعه اسلامی و حاکمانش به وحدت دلالت می‌کند، آورده می‌شود.

۱/ هـ: متن نامه سید محمدکاظم طباطبایی یزدی در تفاهم مذهبی بین ایران و عثمانی که برای سفیر ایران در عثمانی نوشته است.

«بسم الله الرحمن الرحيم

عرض می‌شود مرجو از عنایات و الطاف حضرت خالق متعال و مراجع و اعطاف قادر بی‌زوال - جل شأنه - آن که همواره خاطر عاطر را قرین عزت و اقبال و سعادت و اجلال بدارد و پیوسته به موجبات سعادت ابدیه مؤید و به تهیه رفاهیت حال عامه تبعه دولت متبوعه مسدد باشید ... وقت را سزاوار اظهار دانسته مصادعت می‌نمایم که رجای وثیق از حسن کفایت و تدابیر صایبه جناب مستطاب اجل افتخیم - دام اقباله العالی - آن که در این بلای عهد جدید اهتمام تام خود را مبذول و مابین دولتین علیتین اسلامیتین رشته الفت و وداد و محبت و اتحاد را متقن و محکم نموده، زیرا که قوام بقای شریعت مقدسه و اعلاهی کلمه طیبه اسلامیه و عزت و آسایش نوع مسلمین متوقف و منوط و مربوط به استحکام تساعد و تعاضد و تحاب و تعاهد این دو دولت است و از نتایج و فواید آن، معموری کافه بلاد اسلامیه و آسایش عباد خواهد بود. خاصه، این یک مشت دعاگویان که در زوایای مقدسه مشاهد مشرفه ساکن، و نوعاً ضعفا و فقرا هستند و در این اوقات مأمورین دولت علیه عثمانیه با نهایت تشدید، جمعی خسته‌دلان بیچاره را مشوش‌الخاطر نموده، اجرای قوانین تبعیت را درباره بشر ... و ... عرب‌ها می‌خواهند، البته اوضاع فعلیه بر آن جناب معلوم و هر کاری را موقعی است. از اقدامات صحیحه مترتب است به زودی در رفع آن اهتمام تام فرموده بندگان خدا را متسریح و از بشارت انجام آن این‌جانب را مسرور و این معنا را ذخیره آخرت خود مقرر دارید. ایام اقبال مستدام باد.

الاحقر محمد کاظم طباطبایی»

(ر.ک: کشوری، پیشین، ص ۵۲۸-۵۲۹).

۲/ هـ: حکم جهاد علیه روس، ایتالیا و انگلیس (برای نجات مسلمانان سنی و شیعی از تهاجم استعمارگران)

«بسم الله الرحمن الرحيم

امروز دول اروپا از هر طرف حمله به مملکت اسلامی آورده؛ از یک طرف، ایتالیا به طرابلس غرب هجوم کرده و از طرف دیگر، روس به توسط قشون خود شمال ایران را اشغال، و انگلیس به جنوب ایران قشون وارد کرده و مخاطره اضمحلال اسلام است، لهذا بر عموم مسلمین عرب و عجم

واجب است که خود را مهیای دفع خطر از مملکت اسلام نموده و از بذل مال و جان در فراهم آوردن اسباب اخراج قشون ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قشون روس و انگلیس از شمال و جنوب ایران - که از اهم فریض اسلامی است - به هیچ نحو دریغ و مضایقه ننمایند تا بعون الله مملکتین اسلامیین عثمانی و ایرانی از تهاجم صلیبیان مصون و محروس بمانند.

حرره یوم الاثنین خامس ذی الحجه الحرام ۱۳۲۹

الاحقر محمد کاظم طباطبایی.

اهتمام سید به مصالح دو حکومت ایرانی و عثمانی و فرق نگذاشتن میان ملت ایران و لیبی و وظیفه عمومی دانستن دفع هجوم دشمنان مملکت اسلامی و ... وی را واداشت که در نامه‌های دیگر هم چنان این موضوع را بازگو نماید. حکم جهاد سید فقط به اعلامیه مذکور ختم نمی‌شود بلکه نامه‌های بسیار دیگری به افراد قبایل و یا خطاب به عموم نوشته که از اهتمام وی به امر جهاد و دفاع و دعوت به اتحاد و یک‌پارچگی و محبت و مودت حکایت می‌کند. عناوین برخی از آنها چنین است:

- نامه مورخ ۱۳۳۲ قمری خطاب به عموم مسلمین در موضوع وجوب دفاع در مقابل دول غربی؛

- نامه کوتاه دیگر در سال ۱۳۳۲ قمری خطاب به عموم در موضوع وجوب دفاع بر هر کسی که تمکن دارد؛

- نامه به سید علی قزوینی مبنی بر وجوب رفتن به جبهه یا تشویق دیگران به جهاد؛

- نامه به فرزندش سید محمد طباطبایی در موضوع تشویق به رفتن به جبهه و عدم تعلل؛

- نامه به والی بغداد و همه فرماندهان و لشکریان در موضوع معرفی فرزندش سید محمد و تشویق همه به جهاد؛

- نامه به اهالی عفک (در پاسخ به نامه رئیس قبیله شعلان العطیه) در موضوع وجوب جهاد و دفاع از کشور اسلامی؛

- نامه به اهالی شطره و اطراف آن در موضوع وجوب دفاع؛

- نامه به شیخ علی الفضل، رئیس یکی از قبایل، در موضوع بازسازی خیون از مخالفت با حکومت و ضرورت شرکت در جنگ؛

- نامه به یکی از رؤسای قبیله ناصریه در موضوع وجوب ضرورت شرکت در جهاد و دل‌نگرانی از خیون به دلیل عدم شرکت؛

- نامه به شیخ کاظم آل بطی، رئیس قبیله عشیره‌الازیرج در ناصریه در موضوع راضی کردن

خیون به شرکت در جنگ و وجوب جنگ بر خود وی؛

- نامه به خیون، رئیس عشایر عبوده، در موضوع وجوب دفاع و فرمان شکستن محاصره؛  
- نامه به فرزندش سید محمد در موضوع صدور فتوای وجوب جهاد به عشایر؛  
- نامه به خیون‌العبید در موضوع ستودن خیون به دلیل شرکت در جهاد؛  
- نامه به خزعل‌خان، از رؤسای عشایر، در موضوع اطاعت از شیخ جزایری در مورد جهاد و تشویق طرفین به دوستی و مودت؛

- نامه‌های جداگانه به شیخ خزعل‌خان در خرمشهر، و وکیل والی بصره و والی بغداد و تشویق همگان به جهاد و دفاع و حفظ وحدت و یک‌پارچگی؛

- نامه به فرماندار ناصریه در موضوع حل مشکل تأمین مخارج مجاهدین؛

- نامه به فرزندش سید محمد در موضوع تلاش برای اتحاد عشایر، اعلام وعده فرماندار در دفع مشکلات عشایر و پی‌گیری این مسئله؛

- نامه به حمیدی‌الداخل، از تجار عراق، در موضوع وضعیت فقر و نیاز شدید مردم نجف و لزوم کمک به آنان؛

\* \* \*

آنچه آورده شد برخی از تلاش‌های آیت‌الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی برای حفظ یک‌پارچگی امت اسلامی و دفاع از جان و مال مسلمانان و صیانت کشورهای اسلامی بوده است. امید است با توجه به تاریخ درخشان عالمان دین، گامی بلند در وحدت امت اسلامی برداریم و در این زمانه که انواع توطئه‌های دشمنان اسلام متوجه جهان اسلام است با هوشیاری کامل به دفع آنها پرداخته، بر شوکت و عظمت اسلام و مسلمین بیفزاییم.

### منابع و مآخذ

۱. ابوالحسنی (منذر)، علی، **پایداری تا پای دار؛ سیری در حیات پربار علمی، معنوی، اجتماعی و سیاسی شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری**، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲. \_\_\_\_\_، **سلطنت علم و دولت فقر**، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.
۳. \_\_\_\_\_، **فصل‌نامه زمانه**، شماره ۱۵، آدرس آن در سایت:  
<http://www.hawzah.net/fa/Articleview.html?ArticleID=85175&SubjectID=82957>
۴. ترکمان، محمد، گردآورنده کتاب: «**رسائل ... شیخ شهید فضل‌الله نوری**»، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۵. حائری، عبدالهادی، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۶. حرزالدین، شیخ محمد، *معارف الرجال*، افسست کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ ق.
۷. رمضان نرگسی، رضا، *مجله آموزه*، شماره ۵.  
<http://www.hawzah.net/fa/Articleview.html?ArticleID=77942&SubjectID=77792>
۸. ساسانی، خان ملک، *دست پنهان انگلیس در ایران*، انتشارات بانک، تهران، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۲ ش.
۹. کشوری، اصغر، *چهل چراغ طاغوت‌شکن*، *زندگی‌نامه چهل مجتهد مبارز و صاحب فتوای ضد استعماری در کشور عراق*، تکثیر شده به صورت تک جلد قطور که حاوی اسناد و مدارک زیاد می‌باشد (۱۳۸۹ ش).
۱۰. محدث قمی، شیخ عباس، *فوائد الرضویه*، کتابخانه مرکزی، تهران، بهمن ۱۳۲۷ ش.
۱۱. مدرس، محمدعلی، *ریحانه‌الادب*، کتابفروشی خیام، تبریز، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۲. معاصر، حسن (ترجمه)، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران*، مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان، انتشارات ابن سینا، تهران.

❦❦❦❦❦

